از محکمه تا پلتفرم: جامعه‌شناسی حقوقی کنشِ قضات در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر اینستاگرام

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

چکیده

در سال‌های اخیر، بخشی از قضاتِ ایرانی همانند سایر اقشارِ جامعه در شبکه‌های اجتماعی علی‌الخصوص در اینستاگرام به تولید محتوا، پاسخ‌گویی به مخاطبان و روایت‌گری از وجوه حرفه‌ای و شخصی زندگی خود پرداخته‌اند. این کنش رسانه‌ای، پرسش‌های تازه‌ای را درباره نسبت زیستِ مجازی قضات با اصول بی‌طرفی، استقلال، شأن قضایی و اعتماد عمومی به نظام عدالت برمی‌انگیزد. به‌ویژه آن‌که اینستاگرام یکی از مهم‌ترین میدان‌های شکل‌گیری و گردش گفتارهای حقوقی و کیفری در افکار عمومی معاصر شده است. پژوهش حاضر، با تمرکز بر فعالیتِ ارتباطی قضات در مقام کاربر این قبیل شبکه‌های اجتماعی نظیر ایجاد و اداره صفحه، انتشار پست و استوری، حضور در لایو و تعامل با مخاطبان، و نه استفاده از داده‌های این سکو برای کشف جرم یا تحقیقات مقدماتی، در پی آن است که ابعاد و پیامدهای این کنش‌گری مجازی را با رویکرد جامعه‌شناسی حقوق و در پرتو مفاهیم مبانی حقوقی درباره مشروعیت قضایی و حاکمیت قانون واکاوی نماید. مطالعه‌ای که به روش توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد کنش رسانه‌ای سنجیده قضات می‌تواند فرصت‌هایی چون تبیین قوانین و ارتقای سواد حقوقی جامعه، ترویج فرهنگ قانون‌گرایی، تبادل دانش و تجربه میان کارگزاران حقوق، شفاف‌سازی مسئولانه برخی مسائل قضایی و تعامل سازنده با نسل جوان را فراهم آورد و بدین‌وسیله، در تقویت ادراک عمومی از عدالت و اعتبار نهاد قضایی مؤثر باشد. در عین حال، مخاطراتی همچون نقض حریم خصوصی و محرمانگی، موضع‌گیری‌های سیاسی و جنجالی، لغزش به سمت عوام‌گرایی کیفری، بروز رفتارهای شبهه‌ناک و خدشه‌دار شدن ظاهر بی‌طرفی، و نیز اعتیاد رسانه‌ای و تمرکززدایی از امر قضا، می‌توانند استقلال، شأن قضایی و اعتماد شهروندان به دستگاه قضا را تضعیف نماید. بر این اساس، مقاله نتیجه می‌گیرد که سامان‌دادن به حضور قضات در اینستاگرام و امثالِ آن، مستلزم ترسیم چارچوبی هنجاری و اخلاق حرفه‌ای مشخص برای کنش رسانه‌ای آنان است. چارچوبی که امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های این سکو و کلیه شبکه‌های اجتماعی را فراهم آورد، بی‌آن‌که به مشروعیت هنجاری حکم قضایی و اعتماد عمومی به حاکمیت قانون آسیب برساند.

کلیدواژگان

اینستاگرام، جامعه‌شناسی حقوق، فلسفه حقوق، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم، قاضی، قضاوت

مقدمه

در سال‌های اخیر، بخشی از قضاتِ ایرانی همانند سایر اقشار جامعه، به‌صورت فزاینده‌ای در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام حضور یافته‌اند؛ از انتشار یادداشت‌های حقوقی و پاسخ به پرسش‌های عمومی گرفته تا روایت تجربه‌های قضایی و اشتراک‌گذاری ابعاد شخصی زندگی روزمره. این کنش رسانه‌ای تازه، بر بستری شکل می‌گیرد که خود محصول تحولاتِ شتابان در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی است، تحولاتی که زیست اجتماعی و شیوه‌های ارتباط و تعامل انسانی را به طور بنیادین دگرگون کرده‌اند (شمشادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱٤). آن‌چه مک‌لوهان از آن به «دهکده‌ی جهانی[1]» تعبیر می‌کرد، در پرتو این فناوری‌ها و پیدایش جامعه‌ی شبکه‌ای عینیت یافته است (گیدنز، ۱۳۹۹: ۸۱٦). در چنین وضعیتی، این پرسش به طور جدی پیشاروی جامعه‌ی حقوقی قرار می‌گیرد که نسبت زیستِ مجازی قاضی با اصولی چون بی‌طرفی، استقلال و شأن قضایی چیست و حضور ایشان در سکوهای اجتماعی-تعاملی و مبتنی بر دیده‌شدن، چگونه می‌تواند اعتماد عمومی به قضاوت را تقویت یا تضعیف نماید.

در این میان، اینستاگرام در میان شبکه‌های اجتماعی برخط، جایگاهی متمایز دارد. شبکه‌های اجتماعی مجازی به طور کلی به‌عنوان سرویس‌های مبتنی بر «وب ۲» تعریف شده‌اند که به کاربران اجازه می‌دهند پروفایل‌های عمومی یا نیمه‌خصوصی ایجاد کنند، با دیگران ارتباط متقابل برقرار نمایند و شبکه‌ی پیوندهای خود را ببینند (Ellison & Boyd, 2007: 211). در این میان، اینستاگرام، به‌عنوان یکی از مصادیق مهم این شبکه‌ها، با تکیه بر اشتراک‌گذاری عکس و ویدئو و امکاناتی چون استوری، ریلز و لایو، به‌سرعت به رسانه محبوبِ نسل جوان و یکی از پرکاربردترین سکوهای ارتباطی بدل شده است (کریمی، دلاور و فرهنگی، ۱٤۰۰: ۲). ساختار تصویرمحور و الگوریتم‌های تشویق‌کننده‌ی تعامل، مرز میان حوزه‌ی خصوصی و عمومی را برای کاربران، که قضات نیز از جمله آن هستند، سیال می‌سازد و امکان مخاطب‌یابی مستقیم، دریافت فوری بازخورد و شکل‌گیری تصویر عمومی از فرد را فراهم می‌کند. از این منظر، اینستاگرام صرفاً ابزار ارتباطی خنثی نیست، بلکه میدانی است که در آن سرمایه‌ی نمادین و اجتماعی قاضی می‌تواند بازتولید شده یا فرسوده گردد (عقیلی و پوری، ۱۳۹۰: ۲۹).

جامعه‌شناسی حقوق، به‌جای تمرکزِ صرف بر قواعد و متون قانونی، به فرایندهای اجتماعی تولید، تفسیر، تقویم و اجرای حقوق که در کشاکشی میان واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی قرار دارد، می‌پردازد (برول، ۱٤۰۲: ۱۷) به تعبیر روشن‌تر، جامعه‌شناسان حقوقی در پی آن هستند که حقوق را در نسبت با جامعه و در متن آن پیگیری و مطالعه نمایند، لذا حقوق هیچ‌گاه خارج از جامعه و بیرون از روابط حاکم بر آن درک و فهم نمی‌شود، همان‌طور که سایر نهادها و رویه‌های اجتماعی نیز چنین نیستند (دفلم، ۱٤۰۱: ۲٤). در پرتو این چهارچوب مطالعاتی و تحلیلی، قاضی نه صرفاً مجری قانون، بلکه کنش‌گری است که در یک میدان نهادی خاص، در معرض انتظارات اجتماعی، هنجارهای حرفه‌ای و روابط قدرت قرار دارد و از همین منظر، قاضی خود از سوی عموم جامعه در معرض قضاوت و بازتعریف قرار می‌گیرد (گوینده، ۱٤۰۳: ۳۲).

---

[1]. Global Village

حضور قاضی در شبکه‌های اجتماعی و در رأسِ آن اینستاگرام یکی از صحنه‌های تازه‌ای است که در آن، این هنجارها و انتظارات بازسازی می‌شوند: افکار عمومی می‌تواند به تصمیمات قضایی واکنش نشان دهد، قاضی می‌تواند روایت خود را از نظام قضایی یا برخی مسائل حقوقی عرضه کند و در عین حال، در معرض قضاوتِ رسانه‌ای و بازخوانی تازه‌ای از نقش خود قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، مباحث جامعه‌شناسی حقوق درباره‌ی مبنای مشروعیت حکم قضایی، بی‌طرفی، استقلال و عدالت قضایی، در این میدان جدید رسانه‌ای بُعد و صورت تازه‌ای پیدا می‌کند، زیرا هرگونه خدشه به این مؤلفه‌ها در سطح ادراک عمومی، می‌تواند اعتبار هنجاری تصمیم قضایی را زیرِ سوال ببرد.

با وجود گسترش شبکه‌های اجتماعی و طرح بحث حوزه‌ی عمومی مجازی در ادبیات علوم ارتباطات (افشانی، کریمیان و پارسامهر، ۱۳۹۶: ۲۱۲)، ادبیات داخلی حقوقی پیرامون حضور قضات در این فضا، عمدتاً یا در سطح ملاحظات پراکنده‌ی اخلاق قضایی و توصیه‌های کلی درباره‌ی حفظ شأن قاضی متوقف مانده، یا به بررسی عمومی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بدون تمرکز ویژه بر نقش قضایی بسنده کرده است. در عین حال، برخی رویه‌ها و اسناد اخلاق قضایی در نظام‌های حقوقی دیگر نشان داده‌اند که قرنطینه‌ی اجتماعی قاضی، راه‌حلی واقع‌بینانه برای جهان امروز نیست؛ چنان‌که کمیته‌ی اخلاق قضایی دیوان عالی ایالت ماساچوست، استفاده‌ی محتاطانه و منطبق با اصول رفتار قضایی از شبکه‌های اجتماعی را فی‌نفسه ممنوع ندانسته و بر ضرورت حفظ ارتباط قاضی با جامعه تأکید کرده است (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۶). بدین‌ترتیب، خلأ اصلی نه در موافقت یا مخالفت کلی با حضور قضات در شبکه‌های اجتماعی، بلکه در تحلیل نظری استانداردها و الگوهای کنش رسانه‌ای آنان در سکویی مانند اینستاگرام و پیامدهای آن از منظر جامعه‌شناسی حقوق است.

بر این اساس، مسئله‌ی محوری پژوهش حاضر آن است که در شرایطی که اینستاگرام به یکی از اصلی‌ترین فضاهای شکل‌گیری و گردش گفتارهای حقوقی و کیفری در افکار عمومی تبدیل شده، ابعاد و پیامدهای کنش قضات در این قبیل سکوها چیست و حدودِ حضور مسئولانه و حرفه‌ای آنان چگونه قابل ترسیم است؟ پرسش‌های فرعی پژوهش را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: اول، مهم‌ترین استانداردها و اقتضائات کنش قضات در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام کدام‌اند و در چه چارچوب‌های هنجاری و حرفه‌ای قابل تفسیرند؟ دوم، این کنش‌ها از منظر جامعه‌شناسی حقوق چه پیامدهایی برای اعتماد عمومی، تصویر نهاد قضایی و ادراک اجتماعی بی‌طرفی و استقلال قاضی به همراه دارند؟ و سوم، چه تنش‌ها و تعارض‌هایی میان الزامات زیستِ مجازی و الزامات حرفه‌ای قضاوت قابل شناسایی است و چگونه می‌توان خطوط کلی فرصت‌ها و محدودیت‌های این کنش را مشخص کرد.

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ای کتابخانه‌ای، می‌کوشد با استفاده از دستگاه مفهومی جامعه‌شناسی حقوق و بهره‌گیری از ادبیات جامعه‌شناسی حقوق درباره‌ی مطالعات قضاوت، به این پرسش‌ها پاسخ دهد. بدین منظور، پس از تبیین اجمالی جایگاه اینستاگرام به مثابه نمونه اعلا و اجلای شبکه اجتماعی، در زیستِ معاصر و تشریح مختصر نقش و شأن قضاوت در نسبت با دامنه و برد سکو اینستاگرام، ابتدا ضرورت و چیستی کنش قضات در این فضا صورت‌بندی می‌شود و سپس، در دو بخش، فرصت‌ها و محدودیت‌های این کنش از حیث اجتماعی و هنجاری بررسی می‌گردد. هدف نهایی،

فراهم‌کردن زمینه‌ای نظری برای اندیشیدن به حدود و ثغور حضورِ معقول و مسئولانه قضات در اینستاگرام و پشتیبانی از تدوین قواعد حرفه‌ای و اخلاقی متناسب با این زیست مجازی است.

۱. تحلیل نسبت شبکه‌های اجتماعی و اینستاگرام با نقش قضاوت

اینستاگرام یکی از پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی تصویرمحور است که در سال ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد و به‌سرعت در زمره سکوهای اصلی ارتباطاتِ برخط قرار گرفت (بخشیان، ۱۳۹٤: ۲). گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که شمار کاربران آن تا آوریل ۲۰۲٤ به بیش از دو میلیارد نفر رسیده و از حیث تعداد کاربر، پس از فیسبوک و یوتیوب در رتبه‌های بالای شبکه‌های اجتماعی جهان قرار دارد (Statista, 2024) در ایران نیز، بر اساس پیمایش ملی فرهنگ رسانه‌های اجتماعی در سال ۱٤۰۳، اینستاگرام پرمخاطب‌ترین رسانه اجتماعی میان کاربران ایرانی بوده و حدود ۷۲ درصد پاسخ‌گویان، استفاده از آن را گزارش کرده‌اند (تارنمای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱٤۰۳).

چنین ضریب نفوذی موجب شده است که اینستاگرام صرفاً یک ابزار تفریحی تلقی نشود، بلکه به بستری برای بازنمایی خود، ارتباط‌گیری، کسب‌وکار و مداخله در عرصه عمومی تبدیل گردد. تحقیقات نشان می‌دهد انگیزه‌های حضور در اینستاگرام طیفی از اطلاع‌یابی و پیگیری اخبار تا خوداظهاری، تخلیه هیجان، حفظ و گسترش روابط، الگوگیری و فراغت و سرگرمی را دربرمی‌گیرد (سلگی و مصطفی‌پور، ۱٤۰۰: ۲ و ۳). بدین‌ترتیب، این سکو صرفاً کانالی برای انتقال پیام نیست، بلکه صحنه‌ای است برای ساختن و بازتولید هویت و سرمایه نمادینِ کاربران. پژوهش‌ها حکایت از آن دارند که امروزه نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان و نوجوانان نیز تا حد زیادی متأثر از اینستاگرام، این سکو مؤثر و مهم می‌باشد (رضی‌پور، ۱٤۰۱: ۱۸۰).

ویژگی‌هایی نظیر محوریت تصویر و ویدئو، امکان انتشار استوری و لایو، ساختار تعاملی لایک و کامنت و الگوریتم‌هایی که بر اساس میزان تعامل، محتوا را برجسته می‌سازند، مرز میان ساحت خصوصی و عمومی را سیال‌تر کرده‌اند. کاربران، از جمله صاحبان مشاغل نهادی و اقتدارمحور مانند قضات، در این فضا با نوعی نمایش مستمر خود مواجه‌اند؛ نمایشی که می‌تواند ابعاد حرفه‌ای، شخصی و ارزشی آنان را به‌صورت گزینشی و تکه‌تکه در معرض دید مخاطبان قرار دهد.

از منظر جامعه‌شناسی حقوق، این ویژگی‌ها اهمیت مضاعفی می‌یابد؛ زیرا قاضی، صرفاً یک کاربر عادی نیست، بلکه کنش‌گری است که نقش او در تولید و اعمال تصمیمات الزام‌آور حقوقی، بر اعتماد عمومی، ادراک بی‌طرفی و مشروعیت نهاد قضایی تأثیر مستقیم دارد. وقتی چنین کنش‌گری در سکوی فعال می‌شود که منطق غالب آن بر جلب‌توجه، تولید محتوای شخصی و دریافت آنی بازخورد است، این پرسش پدید می‌آید که الگوهای کنش او در این فضا چگونه می‌تواند بر ادراکِ اجتماعی از بی‌طرفی، استقلال و شأن قضایی اثر بگذارد.

پژوهش‌ها درباره اینستاگرام، عمدتاً بر فرصت‌های این سکو در حوزه‌هایی چون مهارت‌آموزی، فعالیت اقتصادی، ارتباط‌گیری، اطلاع‌رسانی و سرگرمی (محمدی، ۱٤۰۱: ٤٦؛ کبیری، تقی‌پور و پیکری، ۱٤۰۱: ٦۳-٦٤) و در عین حال بر تهدیدهایی مانند خودنمایی افراطی، الگوسازی‌های غلط، هدررفت زمان، عمومی‌شدن اطلاعات شخصی، انتشار اخبار نادرست، نقض حریم

خصوصی و پیامدهای روانی و اجتماعی استفاده نامتوازن از شبکه‌های اجتماعی تأکید کرده است (ترابیان، ۱۴۰۲: ۱۹۲–۱۹۳). با این حال، این ادبیات کمتر به این پرسش پرداخته که این فرصت‌ها و تهدیدها، در مواجهه با گروهی خاص با اقتضائات حقوقی و جامعه‌شناختی مخصوصی مانند قضات، که نقش آنان مبتنی بر نحوی اقتدار قانونی و بی‌طرفی ادراک‌شده است، چه صورت‌بندی ویژه‌ای پیدا می‌کند.

بنابراین در این پژوهش، اینستاگرام نه به‌مثابه سکوی متمایز و مستثنی، بلکه به عنوان نمونه اعلا و اجلای شبکه‌های اجتماعی ملحوظ نظر قرار گرفته شده است. باری به‌عنوان میدان جدیدی در ساحت جامعه برای کنش قضات در نظر گرفته می‌شود؛ میدانی که در آن، امکاناتی مانند آموزش حقوقی به عموم، تبیین آرا و مثبت‌سازی تصویر نهاد قضایی از یک سو، و امکان شکل‌گیری تعارض میان زیستِ مجازی و الزاماتِ حرفه‌ای قضاوت از سوی دیگر، هم‌زمان حضور دارند. تحلیل جامعه‌شناسی حقوقی این میدان، مستلزم تمرکز نه بر توصیف کلی شبکه‌های اجتماعی، بلکه بر نحوه بازتاب و بازسازی نقش قضایی در این بستر است و همین امر، مبنای شکل‌گیری پرسش‌های محوری مقاله حاضر درباره ابعاد و پیامدهای کنش قضات در اینستاگرام است.

در نهایت سرآمد این گفتار نشان‌دهنده پیچیدگی‌های این سکو و نیاز به رویکردی متوازن در استفاده از آن است. به طورکلی، درحالی‌که اینستاگرام فرصت‌های بی‌نظیری را برای یادگیری، ارتباط و سرگرمی فراهم می‌آورد اما هم‌زمان در استفاده از آن، چالش‌ها و تهدیدهایی نیز وجود دارد که می‌تواند متوجه کاربران باشد. بنابراین، استفاده هوشمندانه و آگاهانه از این سکو می‌تواند به بهره‌وری بیشتر و کاهش آسیب‌های احتمالی منجر شود. لذا اینستاگرام برای قضات نه صرفاً یک ابزار ارتباطی، بلکه میدانی است که در آن نقش قضایی آنان بازنمایی و داوری می‌شود و همین، ضرورت ترسیم رویکردی متوازن در کنش رسانه‌ای قضات را آشکار می‌سازد.

۲. نقش و منزلت قاضی و قضاوت در نظام حقوقی

امر قضایی از مهم‌ترین شئون حاکمیتی هر کشوری به شمار می‌آید که از طریق آن، یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های بشری، یعنی عدالت، پیگیری می‌شود (گوینده، ۱۴۰۳: ۹). در پدیدار دولت مدرن، به‌موجب ایده تفکیک قوا، دستگاه قضا مأموریتِ احقاق عدالت قضایی و رسیدگی به مطالبات عمومی و خصوصی را بر عهده گرفته و قضات، اصلی‌ترین کارگزاران این مأموریت هستند (یعقوبی زرندینی، قماسی و خدادی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). به تعبیر دیگر، قضاوت، اعمال قوانین و رویه‌های از پیش موجود نسبت به موضوعات حقوقی ارجاع‌شده به دادگاه است (حلّاق، ۱۳۸۶: ۱۴). قضاوت در راستای برقراری عدالت در روابط افراد با یکدیگر و در روابط دولت و افراد، به تعیین طرف محق در اختلافات و سزادهی مجرمان می‌پردازد (قاضی، ۱۴۰۲: ۲۶۹).

فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول آن، جایگاه قوه قضائیه و قاضی را به‌عنوان رکنِ احقاق حقوق عامه برجسته ساخته است. قضات به‌عنوان کارگزاران اصلی دستگاه قضا، در پی احقاق حقوق عمومی و خصوصی‌اند و از طریق پیگیری مستمر آن‌هاست که ناقضان حقوق و طغیانگران به پای میزِ محاکمه کشانده می‌شوند، زمامداران مقتدر در برابر قانون پاسخ‌گو می‌گردند و مظلومان از هستی مادی و معنوی خود صیانت می‌کنند (هاشمی، ۱۴۰۲: ۳۷۱). اصل ۱۶۳ قانون اساسی مقرر

می‌دارد: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به‌وسیله قانون معین می‌شود.» در فقه شیعه نیز منصبِ قضاوت به عنوان یک واجب کفایی، جایگاهی خطیر دارد و تحقق اهدافی چون حفظ نظام، احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، تا حد زیادی به کارکرد دستگاه قضایی وابسته است (ایروانی، ۱۳۹۷: ۱۲). بر این اساس، ماده‌واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب سال ۱۳٦۱، با ذکر ویژگی‌هایی نظیر ایمان، عدالت، تعهد عملی به موازین اسلامی و پرهیز از رذایلی همچون استعمال مواد مخدر، تصویری از قاضی مطلوب در نظام قضایی اسلامی ترسیم می‌کند که در آن، التزام به بایدونبایدهای اخلاقی و نزاکت اجتماعی، از اصلی‌ترین انتظارات است.

در عین حال، توسعه و پیچیدگی جوامع معاصر سبب شده است که صرفِ برخورداری از دانش حقوقی و قضایی برای قضاوت، کفایت نکند بلکه وضعیت جدید ایجاب می‌نماید که قضات علاوه بر تخصص حقوقی، درک مناسبی از مسائل اجتماعی و تحولات فرهنگی و فناوری داشته باشند و بتوانند با جامعه و فرهنگ عمومی و خرده‌فرهنگ‌ها، ارتباط مؤثر برقرار کنند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۹۱). برای نمونه، در برخی نظام‌های حقوقی مانند آمریکا، علاوه بر تبحر حقوقی، آشنایی با علوم اجتماعی و عوامل مؤثر بر زندگی اجتماعی، در فضای حقیقی و مجازی، نیز به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی قضات مورد توجه است (رضی خادمی، ایروانیان و پاکنهاد، ۱۳۹۸: ٤۱۵).

اهمیت و حساسیت امر قضاوت در نگاه افکار عمومی، به شکل‌گیری تصویر و ذهنیتی خاص از شخص قاضی انجامیده است؛ قاضی در تصور عمومی، نماد بی‌طرفی، استقلال و انصاف است و از لحاظ شخصی و اخلاقی، ملتزم به رعایت قیود و اصول متعدد می‌باشد. این ویژگی‌ها نه تنها انتظارات اخلاقی، بلکه از منظر جامعه‌شناسی حقوق، بخشی از شرایط مشروعیت هنجاری حکم قضایی به شمار می‌آیند یعنی اعتماد شهروندان به این‌که تصمیم قاضی، تصمیمی استوار بر دلیل حقوقی و فارغ از تعصبات شخصی و فشارهای بیرونی است. ازاین‌رو، عملکرد حرفه‌ای و رفتار عمومی قاضی، چه در مقام رسمی و چه در ساحت زندگی روزمره، می‌تواند به طور مستقیم بر اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و ادراک شهروندان از مشروعیت نظام حقوقی اثر مثبت یا منفی بگذارد (رضی خادمی، ایروانیان و پاکنهاد، ۱۳۹۸: ٤۰۹؛ رضائی، ویژه و وکیلیان، ۱٤۰۱: ۱۳).

بر این بنیاد و در پرتو ادبیات فلسفه و مبانی حقوق و اخلاق قضایی، می‌توان چهار مؤلفهٔ زیر را به‌مثابه چارچوبی هنجاری برای تحلیل حضور و کنش قضات در شبکه‌های اجتماعی، از جمله اینستاگرام، در نظر گرفت، ارزش‌هایی که بدون آن‌ها دادرسی عادلانه و دستگاه قضایی از درون تهی می‌گردند:

الف) استقلال قضایی: استقلال قضایی بدین معناست که قاضی در مقام رسیدگی و صدور رأی، تحت نفوذ قوه مجریه، قوه مقننه، گروه‌های ذی‌نفوذ، رسانه‌ها و افکار عمومی قرار نگیرد و صرفاً بر اساس قانون و ادلهٔ پرونده و به جهاتی صرفاً نحوی تصمیم‌گیری کند، به شکلی مستقل و بدون هرگونه دخالت خارجی و بیرونی (سلطانی، قلی‌زاده و قبولی درافشان، ۱٤۰۱: ٦۹). حساسیت امر قضا، در راستای پیگیری آرمان عدالت ایجاب می‌نماید که استقلال عمل در قوه قضائیه، در نسبت با سایر دستگاه‌های دیگر متفاوت باشد و اساسا یکی از مهم‌ترین وجوه درمورد استقلال یک ملت، استقلال نهاد قضایی آن است (هاشمی، ۱٤۰۲: ۳۷۳). استقلال قضایی واجد دو بعد است، بعدی نهادی که متضمن ساختارهای تضمین‌کننده‌ی استقلال قوه قضائیه بوده و

بعدی شخصی که متوجه استقلال ذهنی قاضی در برابر فشارهاست. نهایتاً هر رفتاری که ظاهر این استقلال را مخدوش نماید، می‌تواند مشروعیت کل نظام قضایی را با چالش مواجه سازد (سلطانی، قلی‌زاده و قبولی درافشان، ۱٤۰۱: ٦۹).

ب) بی‌طرفی و ظاهر بی‌طرفانه: بی‌طرفی قضایی که از جمله اصول مهم در دادرسی عادلانه نیز به شما می‌آید به معنای عدم جانب‌داری قاضی نسبت به طرفین دعوا و نسبت به گرایش‌های سیاسی، مذهبی، قومی و... است. به تعبیر روشن‌تر منظور از بی‌طرفی آن است که شخص قاضی در فرایند یک دعوای حقوقی منفعت و سهمی نداشته باشد و اساساً پیش از بررسی پرونده در مورد آن اظهارنظری نکرده باشد (توکلی‌کیا، ۱٤۰۰: ۲۷). چنان‌که بند سوم ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در این باره اشاره دارد: «دادگاه باید بی‌طرف باشد. قاضی یا دیگر اشخاصی که صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، باید درصورتی‌که دلایل متعارفی دربارهٔ ایجاد تردید نسبت به بی‌طرفی آنها وجود دارد در اقدامات دادگاه شرکت نکنند» (ناجی، ۱۳۸۵: ۳۷).

اگرچه در ادبیات اخلاق قضایی، تنها بی‌طرفی واقعی اهمیت ندارد، بلکه ظاهر بی‌طرفی نیز هم‌سنگ آن تلقی می‌شود؛ یعنی قاضی نه‌تنها باید بی‌طرف باشد، بلکه باید برای افکار عمومی نیز چنین به نظر برسد، چنان که در آموزه‌های فقه شیعی نیز به تساوی رفتار ظاهری قاضی با طرفین رسیدگی الزامات و ایجاباتی صورت‌گرفته، چنان‌که شهید ثانی بیان می‌دارد: « وَيَجِبُ عَلَى الحاكِمِ التَّسْوِيَةُ بَيْنَ الخَصْمَيْنِ إنْ تَساوَيا فِي الإسْلامِ وَالكُفْرِ فِي القِيامِ وَالنَّظَرِ وَجَوابِ السَّلامِ وَأنْواعِ الإكْرامِ وَالجُلوسِ وَالإنْصافِ وَالعَدْلِ فِي الحُكْمِ» (شهید ثانی، ۱۳۵۹، ج۳: ۷۲). از این نظرگاه، هرگونه کنش رسانه‌ای که این ظاهر را خدشه‌دار کند، حتی اگر در واقع بر رأی او اثر نگذارد، می‌تواند اعتماد عمومی به عدالت قضایی را تضعیف نماید و موضوع بی‌طرفی دستگاه قضا را مخدوش سازد.

ج) اعتماد عمومی و مشروعیت: دستگاه قضا یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اقتدار سیاسی دولت است، در این راستا زمانی یک شهروند به معنای حقیقی به مشروعیت دولت و نهادها و قوای آن باور پیدا می‌کند که هنجارهایی که به نظرش باید از سوی دستگاه‌های قضایی-اداری کشور رعایت شوند، مورد اعتنا قرار گیرد (عرب و موسوی‌زاده مرکیه، ۱٤۰۰: ۲٤٤). مشروعیت دستگاه قضایی به میزان اعتمادی وابسته است که شهروندان به عدالت، بی‌طرفی و کارآمدی آن دارند. اگر شهروندان احساس کنند قضات تحت تأثیر منافع شخصی، وابستگی‌های سیاسی یا امواج رسانه‌ای تصمیم می‌گیرند، گرچه ساختار حقوقی به ظاهر برقرار است، حاکمیت قانون در معنای عمیق خود آسیب می‌بیند. از این رو، رفتار اجتماعی و رسانه‌ای قضات بخشی از سرمایه‌ی نمادین نظام قضایی به‌شمار می‌آید.

د) شأن و اخلاق قضایی: قضاوت با مجموعه‌ای از انتظارات اخلاقی همراه است: وقار، احتیاط در سخن، پرهیز از مواضع شبهه‌ناک، رعایت حریم خصوصی دیگران و خودداری از رفتارهایی که کرامت مقام قضا را تنزل می‌دهد. در این میان مقصود از شأن و نزاکت قضایی مجموعه اعمال و رفتارهای شخصی و حرفه‌ای قاضی است که بر عملکرد و البته شایستگی آن تأثیر مستقیم می‌گذارد (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۹۳). بسیاری از اموری که برای دیگر شهروندان مباح است از لباس پوشیدن گرفته تا نوع روابط اجتماعی با دیگران، برای قاضی، به دلیل نقش ویژهٔ او، ناروا یا دست‌کم نامناسب تلقی می‌شود. موضوع درست یا نادرست بودن این امور نیست، بلکه مسأله آن انتظاراتی است که جامعه از یک قاضی دارد و راه گریزی از این حقیقت وجود ندارد (گوینده، ۱٤۰۳: ٤۳). اسناد اخلاق قضایی نیز تأکید می‌کنند که قاضی باید در تمام عرصه‌های زندگی، حتی خارج از دادگاه،

از رفتارهایی که موجب خدشه به حیثیت و اعتبار دستگاه قضا می‌شود، پرهیز نماید. در اصل چهارم سند رفتار قضایی بنگلور[2] به موضوع ضرورت حفظ شئون و التزام به رفتار صحیح از سوی قاضی تأکید شده است.

بر این اساس، هر عرصه‌ی جدیدی که در آن، قاضی به بوته دیده و داوری کشیده شود، از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام، به طور بالقوه می‌تواند بر این عناصر فلسفی–هنجاری چون استقلال، بی‌طرفی، اعتماد عمومی و شأن قضایی، تأثیر بگذارد. تحلیل فرصت‌ها و محدودیت‌های کنش قضات در اینستاگرام در ادامه‌ی مقاله نیز بر همین چارچوب استوار است.

۳. چهارچوب مفهومی کنشِ قضات در شبکه‌های اجتماعی

در باب حضور قضات در اجتماع و شبکه‌های اجتماعی، رویکردی محافظه‌کارانه در ادبیات فقهی و حقوقی قابل شناسایی است که بر حداقل‌سازی تماس قاضی با عموم تأکید می‌کند. هدف این رویکرد، صیانت از بی‌طرفی و استقلال قاضی و جلوگیری از تأثیرپذیری او از فشارهای اجتماعی و شخصی است. در ابواب آداب‌القضا در متون فقهی شیعه، گاه تا آن‌جا پیش رفته‌اند که حتی خرید مستقیم مایحتاج توسط قاضی را مکروه دانسته و ترجیح داده‌اند قاضی برای امور شخصی، وکیلی برگزیند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۸). بر اساس چنین تلقی‌ای، حضور قضات در اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان مجاری پرتعامل ارتباط اجتماعی در دنیای کنونی، فی‌الجمله امری ناپسند و تهدیدکننده شأن قضایی تلقی می‌شود.

گرچه دغدغه حفظ استقلال و اعتبار قضات و صیانت از بی‌طرفی ایشان کاملاً قابل اعتناست، اما اولاً حدود و ثغور این احتیاط رفتاری باید دقیق روشن شود و ثانیاً نمی‌توان از اقتضائاتِ جهان معاصر و دگرگونی شیوه‌های ارتباط اجتماعی غفلت کرد. قطع ارتباط کامل قاضی با جامعه، نه برای قاضی مفید است و نه برای جامعه؛ بلکه این درکِ متقابل از واقعیت‌های اجتماعی و عرف جاری است که امکان تفسیر واقع‌بینانه قانون و تحقق بهتر عدالت را فراهم می‌کند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۹). در حقوق، عرف هم در شناخت مفاهیم و هم در تشخیص مصادیق، نقش اساسی دارد و قانون‌گذار با رجوع به عرف متعارف، کوشیده است با شهروندان به زبان قابل‌فهم برای آنان سخن بگوید (برهانی و الهام، ۱٤۰۲: ۱٤٦).

در این میان، بخش مهمی از نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه امروز، در بستر شبکه‌های اجتماعی مجازی شکل می‌گیرد و بازتاب می‌یابد. از این روی آگاهی از این فضاها، بخشی از الزامات حرفه‌ای قضاوت در جهان معاصر است (همتی و داوودی، ۱۳۹٦: ۳۰۵). قضات معمولاً پیش‌فرض‌هایی درباره امور اجتماعی دارند که ناشی از زیست‌بوم و محیط اجتماعی خودشان است؛ قرارگرفتن آگاهانه در معرض آرای متعارض و دیدگاه‌های متکثر، از جمله در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند به تعدیل این پیش‌فرض‌ها و در نتیجه، اتخاذ تصمیم‌های عادلانه‌تر کمک کند (پورمحمدی، یوسفی و شاهنوش، ۱٤۰۰: ٤۲۲).

در مقاله حاضر، هر جا از حضور یا کنش قضات در اینستاگرام سخن می‌رود، مراد فعالیتِ ارتباطی و رسانه‌ای خود قاضی در مقام کاربر این سکو است، از جمله ایجاد و اداره صفحه شخصی یا حرفه‌ای، انتشار پست و استوری، مشارکت در لایو، درج نظر در صفحات دیگران و پاسخ به مخاطبان. بنابراین تمرکز اصلی، بر بازنمایی نقش قضایی در این فضا و پیامدهای آن برای بی‌طرفی،

---

2. Bangalore Principles of Judicial Conduct

استقلال، شأن قضایی و اعتماد عمومی است، نه بر استفاده ابزاری از داده‌های اینستاگرام برای جرم‌شناسی، کشف جرم، جمع‌آوری ادله یا تفسیر قانون.

در این مقام، گفتنی است که حساسیت در قبال حضور قضّات در انواع شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام از جمله دغدغه‌های مهم نظام حقوقی کشورها نیز می‌باشد تا به نحوی از انحاء، رفتار حرفه‌ای قضات را در عصر ارتباطات، نظارت و از اعتبار دستگاه قضا صیانت نمایند. از این رو شاهدیم که در سال‌های اخیر نیز برخی کشورها در موضوع ما نَحنُ فیه، دست به تصمیم‌گیری مشخص زده و با صدور قوانین و اسناد الزام‌آور یا دست‌کم منشورهای اخلاقی و ارشادی در پی تنظیم‌گری کنش قضات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برآمده‌اند.

در نظام حقوقی فرانسه سندی با عنوان «مجموعه الزامات اخلاقی قضات[3]» توسط شورای عالی قضایی فرانسه[4] صادر گشته که به مسأله فعالیتِ قضات در فضای مجازی اشاراتی داشته است. در بند ۱۳ از بخش دوم این سند، که در پی تبیین قواعد مربوط به بی‌طرفی برآمده، اینگونه بیان می‌دارد: «قاضی، که مانند سایر کاربران اینترنت نیست، باید در استفاده از شبکه‌های اجتماعی هشیار باشد، به‌ویژه زمانی که با هویت خود و در مقام قاضی اظهارنظر می‌کند.» اگرچه شایان ذکر است که این مجموعه، یک راهنمایی در حوزه اخلاق حرفه‌ای قضات است و نه یک کد انضباطی. در جمهوری چک نیز اتحادیه قضات[5] در سال ۲۰۱۷، توصیه‌هایی درباره حدود اخلاقی فعالیتِ قضات در شبکه‌های اجتماعی منتشر نموده است که از آن تحتِ عنوان کد اخلاق قضات[6] نام‌برده می‌شود. در بند ۳,۱۱ این سندِ ارشادی و اخلاقی اشاره شده است که :«یک قاضی از شبکه‌های اجتماعی و سکوهای مشابه با احتیاط استفاده می‌کند تا مبادا ابراز عقیده، اطلاعات منتشر شده و ضبط‌های ویدیویی و صوتی او، شأن و منزلت یک قاضی را خدشه‌دار کند». در لهستان نیز در مجموعه اصول اخلاق حرفه‌ای قضات[7] مصوب شورای ملی قضایی این کشور در سال ۲۰۱۷، در بند ۲۳ بر لزوم خویشتن‌داری قضات در استفاده از رسانه‌های اجتماعی تأکید شده است. و در نهایت، در سطح بین‌المللی نیز شورای مشورتی قضات اروپایی[8] در نظر مشورتی شماره ۲۵ سال ۲۰۲۲، با عنوان «آزادی بیان قضات»[9] فصل مستقلی را به استفاده قضات از شبکه‌های اجتماعی اختصاص داده است. فصل هشتم این سند، ضمن توجه به آزادی بیان قضات، به موضوعاتی از قبیل ضرورت خویشتن‌داری قضایی، اقتضائات خاص ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی، تدوین راهنماهای رفتاری، استفاده شفاف از این سکوها و آموزش قضات در زمینه ارتباطات رسانه‌ای می‌پردازد.

مجموع این اسناد، با وجود تفاوت در ماهیت و جایگاه حقوقی، نشان می‌دهد که تنظیم رفتار قضات در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان در پیوند با مجموعه‌ای از ملاحظات اخلاق حرفه‌ای و اصول بنیادین دادرسی، به‌ویژه استقلال و بی‌طرفی قضایی و اعتماد عمومی به دستگاه دادگستری، مطالعه کرد. بر این اساس، اتخاذ رویکردی متوازن که هم استقلال و بی‌طرفی قضات را پاس دارد و هم امکان ارتباط و گفت‌وگو با جامعه را در حد معقول فراهم آورد، می‌تواند به نفع هر دو طرف باشد. تا اینجا، اهمیت اینستاگرام

---

3. Recueil des obligations déontologiques des magistrats
4. Conseil supérieur de la magistrature
5. Soudcovská unie ČR
6. Etický kodex soudce
7. Zbiór Zasad Etyki Zawodowej Sędziów
8. CCJE
9. . Opinion 25 on the freedom of expression of judges

و گستره استفاده از آن توسط اقشار مختلف، از جمله قضات، و در عین حال، جایگاه خطیر قضاوت و وضعیت ویژه قاضی در نظام حقوقی و ربط و نسبت شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام با مقام قضاوت و موقعیتِ قاضی ، تبیین شد. در ادامه، در قالب دو گفتار مجزا، فرصت‌ها و محدودیت‌های کنش قضات در اینستاگرام و به صورت کلی، شبکه‌های اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی حقوق بررسی خواهد شد.

۴. کارکردها و ظرفیت‌های کنشِ قضات در شبکه‌های اجتماعی

فضای مجازی و به طور خاص اینستاگرام، این امکان را فراهم می‌کند که قضات در محیطی تعاملی و پرمخاطب، کنش‌های مختلفی انجام دهند که بخشی از آن می‌تواند در جهت تقویت حاکمیت قانون، ارتقای آگاهی حقوقی و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی باشد. در این بخش، فرصت‌های اصلی این کنش در پنج محور، دسته‌بندی و بررسی می‌شود.

۴,۱. تبیین قوانین و ارتقای سواد حقوقی جامعه

حکومت مبتنی بر قانون، سنگری مهم برای حفظ حقوق انسانی و حقوق شهروندی است. قانون، مهم‌ترین عنصر مؤلف نظام حقوقی است (راسخ، ۱٤۰۲: ۷۵)؛ قاعده‌ای آمرانه و اجتماعی که از طریق قدرت مشروع وضع و اجرا می‌شود و باید و نبایدهای رفتار اجتماعی را تعیین می‌کند (خضری، ۱٤۰۳: ۲۲). شهروندان برای سامان‌دادن به کنش‌های خود در حوزه‌هایی چون معاملات، روابط خانوادگی، فعالیت سیاسی و پیگیری جبران خسارت، ناگزیر از رجوع به قانون‌اند تا هم آزادی فردی تضمین شود و هم صلح و ثبات اجتماعی استقرار یابد. فولر، قانون را ابزاری برای تنظیم رفتار انسان‌ها از طریق حکومت قواعد می‌داند و هدف آن را تسهیل همزیستی مسالمت‌آمیز و پیشرفت جمعی معرفی می‌کند (Fuller, 1978: 89, 133).

قانون‌گذار برای انتقال این قواعد، ناگزیر از استفاده از زبان است. اما زبان قوانین در نظام حقوقی ایران، به دلیل ابهام، پیچیدگی، تخصصی بودن و استفاده گسترده از اصطلاحات عربی و فقهی، همواره برای عموم قابل‌فهم نیست (خضری، ۱٤۰۱: ۱۵ و ۱٦؛ خسروی و نوروزی، ۱۳۹۹: ۷۱–۷۷). این وضعیت، یکی از معضلات اساسی نظام حقوقی ایران در حوزه فن قانون‌نویسی شناخته شده است.

قضات به‌عنوان مفسران قانون در مقام اجرا، می‌توانند از ظرفیت اینستاگرام برای ترجمه و تبیین قوانین به زبان قابل‌فهم برای عموم بهره ببرند؛ به‌ویژه در مورد مواد پرکاربرد و چالشی در زمینه‌هایی چون معاملات، نکاح، مسئولیت مدنی و جرایم رایج. چنین کنشی، در سطح نخست، به ارتقای سواد حقوقی شهروندان کمک می‌کند و در سطحی عمیق‌تر، از منظر جامعه‌شناسی حقوق، زمینه را برای تبعیت آگاهانه و داوطلبانه از قانون و تقویت حاکمیت قانون فراهم می‌سازد؛ زیرا شهروندی که قانون را فهمیده است، با احتمال بیشتری آن را منبعی موجه برای تنظیم رفتار خود تلقی می‌کند.

۴,۲. ترویج فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه

در یک جامعه سیاسی مطلوب، اعمال و اجرای قانون از اصلی‌ترین ضامن‌های عدالت، نظم و امنیت محسوب می‌شود و فقدان آن، به هرج‌ومرج و فروپاشی ساختارهای اجتماعی می‌انجامد (دانایی‌فرد، آذر و صالحی، ۱۳۸۹: ۹؛ زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۱:

۱٦۲). قانون‌گرایی از زاویه شهروندان، به معنای تبعیت آگاهانه، داوطلبانه و پایدار از قوانین است؛ آگاهانه از حیث اطلاع و فهم قانون، داوطلبانه از حیث پشتوانه درونی و نه صرف ترس از ضمانت اجرا، و پایدار از حیث استمرار در زمان و موقعیت‌های مختلف (موسوی‌زاده مرکیه، ۱۳۹۵: ۱٤۰).

قضات، به‌ویژه در محاکم کیفری، از نزدیک با پیامدهای قانون‌گریزی و هزینه‌های فردی و اجتماعی آن مواجه‌اند و بیش از هر گروه دیگری اهمیت رفتار قانون‌مند را لمس می‌کنند. در عصر رسانه‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی، از جمله اینستاگرام، امکان ارائه الگوهای جذاب و قابل‌پذیرش از زندگی قانون‌مند، بسیار بیش از گذشته است (ربیعی، ملک‌محمدی و قجری، ۱۳۹۵: ٦). قضات می‌توانند با تولید محتوای آموزشی و هشداردهنده درباره علل قانون‌گریزی، پیامدهای نقض قانون و نسبت میان قانون‌مداری و امنیت و عدالت، نقش فعالی در تثبیت فرهنگ قانون‌گرایی ایفا کنند.

این کنش، از منظر جامعه‌شناسی حقوقی، صرفاً جنبه تبلیغی ندارد؛ بلکه می‌تواند بر ادراک شهروندان از عدالت و اعتبار هنجاری نظام حقوقی اثر بگذارد. هر چه پیوند میان قانون و تجربه زیسته عدالت، در ذهن شهروندان مستحکم‌تر شود، مشروعیت دستورات حقوقی و احکام قضایی نیز تقویت خواهد شد.

۴،۳. تبادل دانش و تجربه میان کارگزاران حقوق

اینستاگرام با امکان روایتگری تصویری و متنی، به بستری برای به‌اشتراک‌گذاری تجربیات شخصی و حرفه‌ای تبدیل شده است. یکی از انگیزه‌های مهم حضور کاربران در این شبکه، کسب اطلاع و آگاهی است (سلگی و مصطفی‌پور، ۱٤۰۰: ۱۲۸). در این میان، تجربه‌های زیسته قضات و حقوق‌دانان سرمایه‌ای ارزشمند برای نسل‌های جدیدتر قضات، وکلا و دانشجویان حقوق است (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). قضاوت صرفاً با دانش حقوقی محض انجام نمی‌شود، بلکه به درک عمیق از شرایط اجتماعی، فرهنگی و روانی طرفین دعوا نیاز دارد (گوینده، ۱٤۰۳: ۱٤). اشتراک‌گذاری هدفمند تجربه‌های حرفه‌ای، در چارچوب ملاحظات محرمانگی، می‌تواند به قضات جوان و کارآموزان کمک کند تا با واقعیت‌های این منصب، چالش‌های اخلاقی و عاطفی آن و نحوه مواجهه با فشارها آشنا شوند.

از سوی دیگر، اینستاگرام می‌تواند به فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان قضات، وکلا و سایر فعالان حوزه حقوق تبدیل شود و به تکوین نوعی گفت‌وگوی درون‌حرفه‌ای درباره استانداردهای قضاوت خوب کمک کند. چنین گفت‌وگویی در نهایت می‌تواند بر بهبود رویه‌های قضایی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری اثرگذار باشد. در بافت ایران که انتقال تجربه‌های قضایی عمدتاً غیررسمی و شفاهی است (گوینده، ۱٤۰۳: ۱۳)، سامان‌دادن به بخشی از این انتقال در قالب محتوای هدفمند در شبکه‌های اجتماعی، از هدررفت این سرمایه جلوگیری می‌کند.

۴،۴. شفاف‌سازی مسائل قضایی و رفع شبهات و شایعات

در عصر ارتباطات، اطلاعاتِ نادرست و شایعات درباره احکام و فرایندهای قضایی می‌تواند به سرعت منتشر شود و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را تضعیف کند. بسیاری از بحران‌های اجتماعی و سیاسی، بعد قضایی پررنگی دارند و در ایران نیز برخی موضوعات مانند نحوه مواجهه با اعتراضات، برخی احکام کیفری، یا پرونده‌های حساس، به‌سرعت به سوژه تحلیل‌های

رسانه‌ای و منازعات سیاسی تبدیل می‌شوند. انباشت شایعات و روایت‌های ناقص، می‌تواند تصویر کلی نظام حقوقی را مخدوش کند.

اینستاگرام، به دلیل تصویرمحور بودن و سرعت بالای انتشار، نقشی مهم در شکل‌دادن به افکار عمومی پیرامون جرایم و احکام کیفری دارد (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۲۲). اما همین فضا می‌تواند به عرصه‌ای برای روشنگری و شفاف‌سازی مسئولانه نیز تبدیل شود؛ به‌ویژه اگر قضات در حدودی که قانون و آیین‌نامه‌ها اجازه می‌دهند، بتوانند اصول کلی دادرسی عادلانه، فلسفه مجازات‌ها، ساختار رسیدگی و محدودیت‌های قانونی خود را برای عموم توضیح دهند و در برابر برخی برداشت‌های نادرست، روایت حقوقی منضبط ارائه کنند.

این کنش، مستقیماً به مباحث جامعه‌شناسی حقوقی درباره ظاهر و باطن عدالت و نقش ادراک عمومی در مشروعیت نهادهای قضایی مربوط می‌شود. هرچند قاضی موظف است بر اساس قانون و ادله حکم کند، ولی اگر افکار عمومی، فرایند و نتیجه را مستمراً غیرعادلانه تلقی کند، اعتبار هنجاری نظام حقوقی در معرض خطر قرار می‌گیرد. حضور سنجیده و پاسخ‌گویانه قضات در اینستاگرام می‌تواند بخشی از این شکاف ادراکی را کاهش دهد.

۴،۵. تعامل سازنده با جامعه و نسل جوان

آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از کاربران اینستاگرام را جوانان تشکیل می‌دهند و بیش از نیمی از کاربران، زیر ۳٤ سال سن دارند (Statista, 2024) در ایران نیز، نسل جوان از اصلی‌ترین مخاطبان این سکو است (کریمی، دلاور و فرهنگی، ۱٤۰۰: ۳۱). این امر، اینستاگرام را به ابزار بالقوه مهمی برای برقراری ارتباط نهادهای قضایی با نسل جوان تبدیل می‌کند.
از سوی دیگر، گسترش بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان، یکی از نگرانی‌های جدی جوامع معاصر است (آقایی، ۱۳۹۷: ۲۰۰). عوامل متعددی چون فقر، نبود آموزش صحیح حقوقی، گروه همسالان، محیط رشد نامناسب و فقدان حمایت‌های اجتماعی در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند. قضات کیفری، به دلیل مواجهه روزمره با پرونده‌های مرتبط با مواد مخدر، خشونت خانگی، نزاع‌های خیابانی و انحرافات نوجوانان، شناخت عمیقی از چرایی و چگونگی بروز این جرائم دارند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۹۹).

حضور سنجیده قضات در اینستاگرام، می‌تواند فرصتی برای آموزش غیررسمی و پیشگیرانه در حوزه حقوق کیفری و آسیب‌شناسی اجتماعی باشد. قاضی می‌تواند با زبانی قابل‌فهم برای جوانان، درباره پیامدهای واقعی اعمال مجرمانه، روند رسیدگی، و فشارهای وارده بر بزه‌دیدگان و بزهکاران صحبت کند. چنین ارتباطی، افزون بر نقش پیشگیرانه، در سطحی کلان‌تر می‌تواند به کاهش فاصله روانی نسل جوان با نهاد قضایی و تقویت اعتماد و احساس شنیده‌شدن منجر شود. این فضیلتِ در دسترس بودن قاضی، در نهایت به تقویت مشروعیت نظام حقوقی و کاهش هراس و ترس نسبت به دستگاه قضایی می‌انجامد (صفائی و درویش‌زاده، ۱٤۰۲: ٦).

۵. محدودیت‌ها و ملاحظات کنش قضات در شبکه‌های اجتماعی

در کنار فرصت‌ها، کنش قضات در اینستاگرام و کلیتِ شبکه‌های اجتماعی با محدودیت‌ها و چالش‌های جدی همراه است. ماهیت حرفه قضاوت و جایگاه حقوقی–اجتماعی قاضی، اقتضا می‌کند که فعالیت او در فضای مجازی با حساسیت و رعایت اصول اخلاقی، حرفه‌ای و قانونی همراه باشد. در این بخش، مهم‌ترین ملاحظات در پنج محور بررسی می‌شود.

۵,۱. حفظ حریم خصوصی و محرمانگی اطلاعات شخصی و حرفه‌ای

قضات، به دلیل نقش نهادی خود، همواره در معرض دید و ارزیابی عمومی قرار دارند. افشای بدون ملاحظه اطلاعات شخصی می‌تواند امنیت فردی و خانوادگی آنان را به خطر اندازد و انتشار نسنجیده اطلاعات حرفه‌ای، از جمله جزئیات پرونده‌ها یا فرایندهای داخلی، می‌تواند اصول محرمانگی و دادرسی عادلانه را مخدوش سازد.

بر این اساس، قضات باید از انتشار هرگونه محتوایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اطلاعات محرمانه پرونده‌ها یا وضعیت شخصی طرفین دعوا اشاره دارد، پرهیز کنند (خیرخواه و سایبانی، ۱۳۹۸: ۱۳۳). رعایت این ملاحظه، نه‌تنها پاسداشت حریم خصوصی خود قاضی و اصحاب دعواست، بلکه در سطحی کلان‌تر، به صیانت از اعتبار و اعتماد عمومی به نظام قضایی کمک می‌کند؛ زیرا یکی از پایه‌های مشروعیت دادرسی، اطمینان شهروندان از امانت‌داری قاضی در مواجهه با اسرار و اطلاعات حساس است.

۵,۲. خودداری از موضع‌گیری‌های سیاسی و جنجالی

قاضی نیز مانند سایر شهروندان، دارای حقوق مدنی و سیاسی است؛ اما شأن قضایی و اصل بی‌طرفی، دایره بهره‌برداری عملی او از این حقوق را محدود می‌کند. موضع‌گیری آشکار در حمایت از نامزدها، جریان‌ها یا کمپین‌های سیاسی، به‌ویژه در فضایی مانند اینستاگرام، می‌تواند این شائبه را ایجاد کند که قاضی در پرونده‌های مرتبط، نتواند فراتر از تعلقات سیاسی خود داوری کند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

این ملاحظه دو بعد دارد: نخست، از منظر صورت‌بندی عمومی، چنین کنشی می‌تواند اعتماد به بی‌طرفی قوه قضائیه را تضعیف کند؛ دوم، در مواردی که همان موضوع سیاسی بعداً به پرونده قضایی تبدیل می‌شود، قاضی‌ای که پیش‌تر موضع رسانه‌ای آشکار داشته، از دید افکار عمومی و طرفین دعوا، دیگر واجد ظاهر عدالت نخواهد بود. همان‌طور که در ادبیات اخلاق قضایی آمده است، قاضی در اعمال حقوق مدنی–سیاسی خود باید به‌گونه‌ای رفتار کند که بی‌طرفی و استقلال دستگاه قضایی مخدوش نشود و او در معرض منازعات حزبی و جناحی قرار نگیرد (خیرخواه و سایبانی، ۱۳۹۸: ۵).

۵,۳. پرهیز از افتادن در ورطه عوام‌گرایی کیفری[10]

عوام‌گرایی کیفری، رویکردی است که در آن تصمیمات و سیاست‌های کیفری تحت‌تأثیر احساسات عمومی و موج‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرد، نه بر اساس اصول حقوقی و موازین عدالت. رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی تصویرمحور، با برجسته‌سازی

10. Penal Populism

گزینشی برخی جرائم و تأکید بر ابعاد هیجانی آن‌ها، می‌توانند احساس ناامنی و مطالبه مجازات‌های شدید و فوری را تشدید کنند (صدری خانلو، شاملو، نجفی‌توانا، ۱٤۰۱: ۱۱۵؛ آقایی، ۱۳۹۷: ۲۳٦).

در چنین فضایی، خطر آن وجود دارد که قضات، آگاهانه یا ناخودآگاه، در معرض فشار افکار عمومی قرار گیرند و در تحلیل و صدور حکم، به سمت تصمیم‌های عامه‌پسند گرایش یابند. از منظر مبادی حقوقی، این وضعیت، حاکمیت قانون و استقلال قاضی در استناد به دلایل حقوقی را تهدید می‌کند و در بلندمدت می‌تواند به تضعیف عدالت کیفری و نقض حقوق متهمان و بزه‌دیدگان منجر شود.

قاضی فعال در اینستاگرام، بیش از پیش در معرض این امواج است و باید مراقب باشد که نه در سطح محتوا و نه در سطح ذهنیت، به خط عوام‌گرایی کیفری کشیده نشود. پایبندی به اصول دادرسی عادلانه، اتکا به ادله موجود در پرونده و مقاومت در برابر فشارهای لحظه‌ای، از مهم‌ترین ملاحظات اخلاق قضایی در این زمینه است (هاشمی، ۱٤۰۲: ۳۷۵).

۵,۴. پرهیز از رفتارهای ناپسند و شبهه‌ناک

قضات در نگاه عمومی، قشری ممتاز و الگو محسوب می‌شوند و از آنان انتظار می‌رود که در زندگی شخصی و حرفه‌ای، به استانداردهای بالای اخلاقی پایبند باشند (Wilson, 2012: 228). بسیاری از رفتارهایی که برای سایر شهروندان مباح تلقی می‌شود، برای قاضی به اعتبار منصب مناسب نیست؛ از سبک زندگی مصرفی و تجملی گرفته تا برخی انواع تفریح و شوخی (گوینده، ۱٤۰۳: ٤۳).

قاعده کلی در اخلاق قضایی آن است که قاضی باید از مواضع تهمت دوری کند. یعنی حتی از کارهایی که فی‌نفسه حرام نیستند، اما در نگاه عرف، زمینه سوءظن به عدالت، امانت یا سلامت مالی–اخلاقی او را فراهم می‌کنند (گوینده، ۱٤۰۳: ٦۷). در اینستاگرام، که مبتنی بر نمایش لحظات زندگی و اقتصاد توجه است، این حساسیت دوچندان می‌شود. انتشار تصاویر و ویدئوهایی که رنگ‌وبوی سبک‌سری، مصرف‌گرایی افراطی، شوخی‌های مبتذل یا رفتارهای خلاف عرف عمومی دارند، می‌تواند به خدشه در شأن قضایی و تضعیف جایگاه قاضی به‌عنوان نماد استقلال، بی‌طرفی و قابل‌اعتماد بودن بینجامد. همچنین نوع تعامل قاضی با اشخاص و گروه‌ها در اینستاگرام مانند وکلا، اصحاب پرونده‌ها و فعالان حقوقی، باید به‌گونه‌ای باشد که شائبه روابط خاص و منافع پنهان ایجاد نکند (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۹٦ ؛ خیرخواه و سایبانی، ۱۳۹۸: ۱۳۰). در غیر این صورت، حتی بدون وقوع تخلف واقعی، ظاهر بی‌طرفی در ذهن افکار عمومی آسیب می‌بیند که خود از منظر جامعه‌شناسی حقوقی، به مشروعیت حکم قضایی لطمه می‌زند.

۵,۵.اعتیاد به اینستاگرام و تمرکززدایی از امر قضا

بالابودن جذابیت و ضریب نفوذ اینستاگرام، خطر استفاده افراطی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ وضعیتی که در آن فرد، مدت‌های طولانی و خارج از کنترل خود را در این فضا می‌گذراند و این امر به اختلال در کارکردهای روانی و اجتماعی او می‌انجامد (خیجی و همکاران، ۱٤۰۱: ۷۰ ؛ Andreassen & Pallesen, 2014)

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه ویراستاری شده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

حرفه قضاوت، به طور ذاتی نیازمند تمرکز بالا، دقت نظر و توان تحلیل مداوم است. فشارهای روحی و ذهنی ناشی از رسیدگی به پرونده‌های متعدد و گاه سنگین، خود به اندازه کافی زمینه فرسودگی شغلی را فراهم می‌کند (گوینده، ۱٤۰۳: ٤٦). در چنین شرایطی، اعتیاد به اینستاگرام می‌تواند به تشدید تمرکززدایی، خستگی ذهنی و کاهش کارایی حرفه‌ای منجر شود و بر کیفیت قضاوت اثر منفی بگذارد، چنان‌که در استفاده زیاد یا وابستگی قضات به هوش مصنوعی نیز چنین آسیبی مطمحِ نظر قرارگرفته است جایی که این تمرکززدایی و فراروی از پیچیدگی‌های پرونده‌ها، می‌تواند قضاوت را به امری مکانیکی تقلیل نماید (اصحابی، حمیداوی و موسی‌زاده میخوش، ۱٤۰٤: ۱۱۲)

از این منظر، یکی از ملاحظات مهم برای قضاتِ حاضر در اینستاگرام، خودتنظیمی در زمان و نحوه استفاده است؛ به‌گونه‌ای که حضور رسانه‌ای، به حاشیه‌ای کم‌هزینه در کنار وظایف اصلی تبدیل شود، نه به عاملی برای اختلال در تمرکز و تشدید فرسودگی. رعایت این تعادل، در نهایت به حفظ توان قاضی برای انجام وظیفه اصلی خود، یعنی تحقق هرچه منصفانه‌تر عدالت، کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

بنا به پژوهش حاضر، امروزه وجه قابل‌توجهی از تعاملات انسانی در بستر سکوهای اینترنتی و مجازی در حال پیگیری و تحقق است. ازاین‌رو عضویت در شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مختلف مجازی-ارتباطی امروزه برای بسیاری از افراد در سطح کلان بین‌المللی امری گریزناپذیر بوده و شاهدیم که بخش غالب گروه‌های اجتماعی و انسانی با مقاصد گوناگونی نظیر پیگیری اخبار، ارتباط با دوستان، گذران اوقات فراغت، تولید محتوا و... در یک یا چند شبکه مجازی فعال هستند. اینستاگرام به عنوان یکی از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در جهان و ایران، از جمله مهم‌ترین شبکه‌های اینترنتی مجازی محسوب می‌شود. ویژگی‌های مختلفی چون تصویرمحور بودن، سادگی در استفاده و کاربرد، محبوبیت بین اعضای جامعه اینترنتی، ظرفیت ارتباط با افراد مختلف، قابلیت‌های مختلف در اشتراک‌گذاری مطالب نظیر پست؛ استوری، ریلز، لایو و.... که نظیر و قریب آن در دیگر شبکه‌های اجتماعی نیز یافت می‌شود، موجب شده که انگیزه افراد برای عضویت در این شبکه مجازی تقویت و تشدید شود. باری اینستاگرام، نظیر بسیاری از دستاوردهای فناورانه بشر، دارای یک وجه مثبت است که دربردارنده مزایا و فرصت‌هایی است که پیش پای کاربر می‌گذارد و از سوی دیگر دارای وجه خاکستری و خطرناک که هشداردهنده به یک‌سری تهدیدات بوده که در صورت بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدها و عواقب منفی مؤثری برای کاربران و اعضا داشته باشد. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها از گروهی اجتماعی و طیف سنی، به گروهی دیگر متفاوت و متغیر است، لذا باید در نظر داشت که هر قشری از جامعه هنگام استفاده از شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام با بخشی از تهدیدات و فرصت‌ها روبه‌روست.

قضات به عنوان نمایندگان دستگاه قضایی کشور، یکی از مهم‌ترین منصب‌های حقوقی -اجتماعی-سیاسی را برعهده‌دارند و همین امر موجب شده است که در طول تاریخ همواره نگاهی توام با ملاحظات به این بخش از اقشار اجتماعی باشد. طبیعی است که در دنیای ارتباطات و فضای مملو از تعاملات رسانه‌ای و اینترنتی، قضات و دیگر کارگزاران دستگاه عدلیه کشور، نظیر سایر گروه‌های اجتماعی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و سکوهای اینترنتی ناگزیر باشند. امروزه فضای مجازی و به تبع آن

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بخش قابل‌توجهی از ارتباط اجتماعی انسان را می‌سازند و نمی‌توان گسست و شکافی مطلق بین یک گروه و این شکل از ارتباط اجتماعی ایجاد نمود چرا که اساساً خاصیت دنیای کنونی مبتنی بر این سبک از تعاملات و ارتباطات است.

اما بنا بر اصل تهدید–فرصت که همواره در هر نوعی از روابط اجتماعی حاکم و حاضر است، تقییداتی را برای حضور قضات در اینستاگرام باید لحاظ کرد. شأن دستگاه قضایی ایجاب می‌نماید که حضور قاضی در میدان اجتماع طبق چهارچوب‌های خاص رفتاری باشد و شخص قاضی همواره به پیامد کنش‌ها و واکنش‌هایش در سطح جامعه التفات و توجه ویژه داشته باشد. از این نظرگاه باید تهدیدات و فرصت‌های حضور قضات در اینستاگرام را مدنظر داشت تا بتوان با رعایت و درنظرداشت این عوامل، یک حضور مؤثر و کارآمد را برای این قشر مهم اجتماعی متصور شد چراکه برآیند این پژوهش از منظر جامعه‌شناسی حقوق آن است که کنش رسانه‌ای قضات، اگر بدون توجه به مؤلفه‌هایی چون بی‌طرفی، استقلال و ظاهر عدالت سامان نیابد، می‌تواند مشروعیت هنجاری احکام و اعتماد شهروندان به حاکمیت قانون را دچار تزلزل کند؛ و برعکس، حضور سنجیده و مسئولانه، می‌تواند به تقویت همین مؤلفه‌های بنیادین یاری رساند.

طبق پژوهش حاضر، حضور قضات در شبکه‌های اجتماعی به ویژه اینستاگرام بنا به مهارت‌های قضایی و دانش حقوقی–اجتماعی این دسته از افراد فرصت‌های مهمی را ایجاد می‌نماید. تبیین قوانین و ارتقای سواد حقوقی جامعه، ترویج فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه، تبادل دانش و تجربه میان کارگزاران علم حقوق، شفاف‌سازی مسائل قضایی و رفع شبهات و شایعات و تعامل سازنده با جامعه و نسل جوان از جمله مهم‌ترین فرصت‌هایی هستند که شخص قاضیِ حاضر در اینستاگرام می‌تواند از آن جهت اعتلای فرهنگ حقوقی جامعه استفاده کند و کنشی مؤثر در جامعه رقم زند. اما این حضور در عرصه اینستاگرام وجه دیگری هم دارد و آن تهدیداتی است که می‌تواند برای قضات به وجود آورد. قاضی، نماینده دستگاه قضایی است و از همین رو نیاز است که ملاحظاتی را در نظر بگیرد تا بتواند از این طریق اعتماد به دستگاه قضایی را افزایش داده و از سلب اعتماد از آن ممانعت به عمل آورد. حفظ اطلاعات شخصی و حرفه‌ای، خودداری از اظهار نظرهای سیاسی و جنجالی، خودداری از افتادن در ورطه عوامگرایی کیفری، پرهیز از رفتارهای ناپسند و شبهه‌ناک و توجه به اعتیاد به اینستاگرام و تمرکززدایی، از مهم‌ترین محدودیت‌ها و بایسته‌های رفتاری قضات در اینستاگرام و کلیتِ شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که با رعایت آن‌ها می‌توان ضمن حفظ شأن قضایی و حرفه‌ای قضات مانعی برای سلبِ اعتماد مردم نسبت به دستگاه عدلیه شد.

بر اساس پژوهش حاضر و یافته‌های آن، می‌توان در مقام نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهاد، موارد زیر را به‌عنوان توصیه‌های هنجاری در نظر گرفت تا بدین طریق موضوع حضور قضات در شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام، نظم و نسق موجه و معقولی یابد. نخست، قوه قضائیه می‌تواند مانند نظام قضائی برخی از کشورها که در صدرِ پژوهش به آن‌ها اشاره شد، طی آیین‌نامه‌ای حدود و ثغور حضور قضات در شبکه‌های اجتماعی را روشن سازد تا به‌واسطه یک سند الزام‌آور حقوقی، از عملی شدن برخی از تهدیدها جلوگیری نماید. در این راستا، جهت جلوگیری از تورم قوانین و دستورالعمل‌های قضایی، می‌توان بنابر اقتضا، تغییراتی را در «قانون نظارت بر رفتار قضات» در نظر داشت. در قانون مذکور، اشاراتی به شأن قضایی قضات در مواد ۱۱ و

۱۷ شده است و می‌توان با درنظر داشتن مسئله حضور قضات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بنـدها و تبصـره‌هایی را در مواضع مرتبط در این قانون اضافه نمود. دوم، می‌توان بـرای قضـات کارگاه‌هـای مجزّایـی ذیـل آمـوزش ضـمن خـدمت در بـاب کنشگری رسانه‌ای از جمله حضور در اینستاگرام برگزار نمود تا بایسـته‌های عملـی حضـور ایـن قشـر از جامعـه در اینسـتاگرام و شبکه‌های اجتماعی به شکل ملموس‌تری فهم و درک شود. سوم، شایسته است جهت نظارت دقیق و باکیفیت بر رفتـار قضـات در شبکه‌های اجتماعی، قوه قضائیه به مدد تعاملاتی با سکوهای ارتباطی خارجی مانند اینستاگرام، آنان را پاسخگوی خود قرار دهد تا در صورت نیاز، استعلامات مربوطه و دقیق درمورد برخی از قضات را دریافت نماید، بـاری بایـد در نظـر داشـت کـه در شـرایط فیلترینگ که به معنای عدم به رسمیت شناختن یک پلتفرم است، برقراری چنین تعامل و رابطه‌ای سخت و دشوار می‌نماید.

ویرایش‌نشده | ویراستاری‌نشده | نسخه‌ی اولیه | در انتظار انتشار
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

منابع فارسی

۱. آقایی، سارا (۱۳۹۷). **تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی**. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۲. اصحابی، فاطمه، حمیداوی، علی و موسی زاده میخوش، رضا (۱٤۰٤). هوش مصنوعی و بازاندیشی عدالت کیفری: تحلیل سزاگرایانه و فایده‌گرایانه. **دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی**، ۲(٤)، ۹٤–۱۲۵. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2065927.1221

۳. اکبری رودپشتی، عظیم و زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۷). نزاکت قضایی در نظام حقوقی ایران. **مجله حقوق اسلامی**، ۱۵ (۵۹)، ۸۹–۱۲۲.

٤. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱٤۰۲). **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**. چاپ هشتم. ویراست دوم. تهران: نشر میزان.

۵. ایروانی، باقر (۱۳۹۷). **دروس تمهیدیهٔ فی الفقه الاستدلالی علی مذهب الجعفری**. جلد۳. چاپ اول. قم: انتشارات فقه.

٦. برول، هانری (۱٤۰۲). **جامعه‌شناسی حقوق**. ترجمه سیدابوالفضل قاضی، تهران: نشر میزان.

۷. بخشیان، مهدی (۱۳۹٤). پایش آسیب‌ها: اینستاگرام. **نشریه پایش سبک زندگی**، (۹)، ۱–۱۰.

۸. پورمحمدی، رضا، یوسفی، محمدمهدی و شاهنوش فروشانی، محمدعبدالصالح (۱٤۰۰). تأثیر پیشینه اجتماعی قضات بر آرای قضایی. **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، ۵۱(۳)، ٤۰۹–٤۲۷.

۹. ترابیان، مرتضی (۱٤۰۲). تأثیرات مثبت و منفی فضای مجازی. **پژوهش‌های مطالعات اسلامی معاصر**، ۱(۲)، ۱۸۱–۱۹٤.

۱۰. توکلی‌کیا، امید (۱٤۰۰). اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی از منظر حقوق اسلامی. **فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی**، ٤(۱۳)، ۱۳–۵۰.

۱۱. حلّاق، وائل (۱۳۸٦). **تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی**. ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.

۱۲. خسروی، احمد و نوروزی، حامد (۱۳۹۹). حق بر فهم قانون. **مجله حقوقی دادگستری**، ۸٤(۱۱۱)، ٦۵–۸۷.

۱۳. خضری، فاروق(۱٤۰۱). **زبان قانون**. چاپ اول، تهران: نشر نقد فرهنگ.

۱٤. خیجی، علی و بیک، فاطمه و علیشاهی، فاطمه و برزمینی، مریم (۱٤۰۱). آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی. **مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش**، ٦(٦۳)، ۲۷–۳۷.

۱۵. خیرخواه، وجیهه و سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸). بررسی حفظ شئون قضایی در سند بنگلور و مقررات کیفری ایران. **فصلنامه تخصصی دانشنامه‌های حقوقی**، ۲(۲)، ۱۲٦–۱٤٤.

۱٦. دانایی‌فرد، حسن، آذر، عادل و صالحی، علی (۱۳۸۹). قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی-فرهنگی. **فصلنامه دانش انتظامی**، ۳(٤٤)، ۷–٦۵.

۱۷. دفلم، متیو (۱٤۰۱). **جامعه‌شناسی حقوق نمودهای یک سنت علمی**. ترجمه اکبر احمدی، تهران: نشر علم.

۱۸. راسخ، محمد (۱٤۰۲). **حق و مصلحت**. جلد۲، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.

۱۹. ربیعی، علیرضا، ملک محمدی، مهراب، و قجری، حسینعلی (۱۳۹۵). تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر نگرش جوانان به قانون گریزی (جوانان ۱٤ الی ۲۹ ساله شهر بروجن). **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۵(۳۲)، ۱۵۳–۱۷۰.

۲۰. رضائی، آزاد، ویژه، محمدرضا و وکیلیان، حسن (۱٤۰۱). قواعد رفتاری حاکم بر قضات در امریکا و ایران. **فصلنامه تعالی حقوق**، ۸(۳)، ۳–۳۵.

۲۱. رضی پور، پرنیا (۱٤۰۱). تحلیل آسیب‌ها و مخاطره‌های رسانه اجتماعی اینستاگرام. **فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، ۱۲(۱)، ۱۷۳–۲۰۰.

۲۲. رضی‌خادمی، فاطمه، ایروانیان، امیر و پاکنهاد، امیر (۱۳۹۸). معیارهای حقوقی اخلاقی ناظربر گزینش قضات؛ در نظام حقوقی ایران و آمریکا. **فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران**، ۲(۳)، ٤۰۷–٤۱۸.

۲۳. زارع شاه‌آبادی، اکبر و ترکان، رحمت‌الله (۱۳۹۱). عوامل قانونگرایی شهروندان در شهر یزد. **فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۱۳(۵۰)، ۱۵۹–۲۰۵.

۲٤. سلگی، محمد و مصطفی‌پور، وحید (۱٤۰۰). انگیزه‌های عضویت در شبکه اجتماعی اینستاگرام. **فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، ۲۲(۵٤)، ۱۱۹–۱۳٦.

۲۵. شمشادی، امیرحسین، مظفری، افسانه؛ سلطانی‌فر، محمد و فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ حاکم در شبکه اجتماعی اینستاگرام. **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، ٦(۲٤)، ۳۱۱–۳٤٤.

۲٦. صدری خانلو، علی، شاملو، باقر و نجفی‌توانا، علی (۱٤۰۱). مبانی عوامل‌گرایی کیفری و پیامدهای آن در سیاست جنایی. **کارآگاه**، ۱٦(۵۹)، ۱۱۱–۱۲۱.

۲۷. صفائی، سید حسین و درویش زاده، محمد (۱٤۰۲). فضیلت در دسترس بودن قاضی. **فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی**، ٦(۱۸)، ۹–٦. https://doi.org/10.22034/law.2023.705317

پذیرفته شده در انتظار انتشار | نسخه ویرایش نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

۲۸. عاملی(شهید ثانی)، زین‌الدین‌بن‌علی (۱۳۵۹). **الروضه‌البهیه فی شرح اللمعه‌الدمشقیه**، ج۳، قم: داوری.

۲۹. عرب، بهاره و موسوی‌زاده مرکیه، سید شهاب‌الدین (۱٤۰۰). نقش قوه قضاییه در شکل‌گیری مؤلفه‌های فرهنگی قانون‌گرایی. **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، ۲٦(۹۳) ۲۳۷–۲۵۵.

۳۰. عقیلی، سیدوحید و پوری، احسان (۱۳۹۰). تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ارتباطات بین فردی کاربران. **فصلنامه فرهنگ ارتباطات**، ۱(۳)، ۲۵–٤۵.

۳۱. قاضی، سیدابوالفضل (۱٤۰۲). **بایسته‌های حقوق اساسی**. چاپ شصت و ششم. تهران: نشر میزان.

۳۲. قلی‌زاده، میثم، سلطانی، عباسعلی و قبولی درافشان، محمدهادی (۱٤۰۱). استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران؛ تاملی بر تحولات تاریخی از دوره مشروطه تا قانون اساسی (با تاکید بر مرحله استخدام و گزینش). **پژوهش های نوین حقوق اداری**، ۵(۱٦)، ٦۵–۹۰.

۳۳. کبیری، امید؛ تقی‌پور، فائزه و پیکری، محمدرضا (۱٤۰۱). سنجش تنوع ارتباطات انسانی در شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام بین کاربران ایرانی. **فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی**، ۳٤(۳)، ۵۵–۸۱.

۳٤. کریمیان، کبری، پارسامهر، مهربان و افشانی، سید علیرضا (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر شهرکرد. **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۲۵(۸۰)، ۲۰۹–۲۳۷.

۳۵. کریمی، بهزاد، دلاور، علی و فرهنگی، علی‌اکبر (۱٤۰۰). اینستاگرام: شیوهٔ جدید دیدن و دیده‌شدن و پیامدهای آن. **فصلنامه علمی رسانه**، ۳۲(۱)، ۲۹–۵۱.

۳٦. گوینده، حمید (۱٤۰۳). **مهارت‌های قضاوت، نبایدها و بایدها**. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.

۳۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹). **جامعه‌شناسی**. ترجمه حسین چاووشیان، تهران: انتشارات علمی.

۳۸. محمدی، محمود (۱٤۰۱). واکاوی فرصت‌ها و تهدیدهای شبکه اجتماعی اینستاگرام. **فصلنامه مطالعات سیاست گذاری تربیت معلم**، ۵(۲)، ۳۳–٦۰.

۳۹. موسوی‌زاده مرکیه، سیدشهاب‌الدین (۱۳۹۵). تنش و تضاد قانونگرایی و فرهنگ در عصر جهانی شدن. **فصلنامه پژوهش‌های بین الملل**، ٦(۲۱)، ۱۳۵–۱۵۸.

٤۰. ناجی، مرتضی (۱۳۸۵). بیطرفی در دادرسی کیفری. **مجله حقوقی دادگستری**، ۷۰(۵٦و۵۷)، ۲۹–۷۸.

٤۱. هاشمی، سیدمحمد (۱٤۰۲). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی**. جلد۲. چاپ سی و دوم. تهران: نشر میزان.

٤۲. همتی، مجتبی و داودی، غلامرضا (۱۳۹٦). مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی(اسلام، ایران، چین و آمریکا) در پرتو اصول بنگلور. **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، ۹(۲)، ۲۷٦–۳۱۰.

٤۳. یعقوبی زرندینی، محمد، قماسی، سعید و خدادی، ابوالقاسم (۱۳۹۸). زمینه‌های ساختاری وقوع جرائم قضایی قضات ایران. **مجله حقوقی دادگستری**، ۸۳(۱۰۷)، ۱۱۳–۱۳٤.

References

English

1. Ellison, N. B. and D. M. Boyd (2007). "Social Network Sites: Definition, History and Scholarship", Journal of Computer-Mediated Communication.13(1), 210-230.
2. Fuller, L. L. (1978). The morality of law .Yale Univ. Press.40(2), 270-279.
3. Wilson, Aurora J.(2012). let's Be Cautions Friends: The Ethical Implications Of social networking for members of the judiciary. Washington journal of law, technology & arts, 7(3),225-236.
4. Andreassen, C., & Pallesen, S. (2014). Social Network Site Addiction - An Overview. Current Pharmaceutical Design, 20(25), 4053 -4061.

Persian

1. Aghaei, Sara. (2018). Crime Analysis in Cultural Criminology. 1st ed. Tehran: Mizan Foundation. (in Persian)
2. Aghili, Seyyed Vahid, and Pouri, Ehsan. (2011). “The Impact of Virtual Social Networks on Users' Interpersonal Communication.” Communication Culture Quarterly, 1(3), 25–45. (in Persian)
3. Akbari Roudposhti, Azim, and Seyyed Qasem Zamani. (2019). Judicial propriety, criteria of determining and instances in the legal system of iran. Islamic Law, 15(59), 89–122. (in Persian)
4. Ameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali. (1980). Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah. Vol. 3. Qom: Davari Publishing. (in Arabic)

Accepted | Awaiting Publication | Unedited
نسخه اولیه | ویراستاری نشده

5. Arab, Bahareh. & Mousavi zadeh, Seyyed Shahabeddin (2023). The Role of Judiciary on Cultural components of Law-Abiding. The Quarterly Journal of Judicial Law Views, 26(93), 237–255. (in Persian)
6. Ashabi, Fatemeh, Hamidawi, Ali and Musazadeh Mikhosh, Reza. (1404). Artificial Intelligence and Rethinking Criminal Justice: A Retributive and Utilitarian Analysis. Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology , 2 (4), 94–125. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2065927.1221(in Persian)
7. Bakhshian, Mehdi. (2015). "Monitoring Social Harms: Instagram." Lifestyle Monitoring Journal, 9, 1–10. (in Persian)
8. Danaeifard, Hassan, Azar, Adel, and Salehi, Ali. (2010). "Law Evasion in Iran: Explaining the Role of Political, Economic, Managerial, and Socio-Cultural Factors." Law Enforcement Science Quarterly, 3(44), 7–65. (in Persian)
9. Deflem, Mathieu. (2022). Sociology of Law: Visions of a Scholarly Tradition. Translated by Akbar Ahmadi. Tehran: Elm Publishing. (in Persian)
10. Elham, Gholamhossein, and Borhani, Mohsen. (2023). An Introduction to General Criminal Law. 8th ed., 2nd rev. ed. Tehran: Mizan Foundation. (in Persian)
11. GholiZadeh, Meysam, Soltani, Abbasali. & Ghabooli DarAfshan, Mohammad Hadi. (2023). judicial independence in Iran's legal system; A reflection on the historical developments from the constitutional period to the constitution (with emphasis on the recruitment and selection stage). The Journal of Modern Research on Administrative Law, 5(16), 65–88. (in Persian)
12. Giddens, Anthony. (2020). Sociology. Translated by Hossein Chavoshian. Tehran: Elmi Publishing. (in Persian)
13. Goyandeh, Hamid. (2024). Judicial Skills: Dos and Don'ts. 2nd ed. Tehran: Judiciary Research Institute. (in Persian)
14. Hallaq, Wael B. (2007). A History of Islamic Legal Theories. Translated by Mohammad Rasikh. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
15. Hashemi, Seyyed Mohammad. (2023). Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran. Vol. 2. 32nd ed. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
16. Hemati, Mojtaba. and Davoudi, Gholamreza. (2017). Comparative study of judicial conduct standards (Islam, Iran,America and China) in view of Bangalore principles. Journal of Legal Studies, 9(2), 277-310. (in Persian)
17. Iravani, Baqer. (2018). Durus Tamhidiyyah fi al-Fiqh al-Istidlali. Vol. 3. 1st ed. Qom: Fiqh Publications. (in Arabic)
18. Kabiri, Omid, Taghipour, Faezah. & Peikari, Mohammadreza (2023). Measuring the Diversity of Human Communication in the Instagram Social Network among Iranian Users. Rasaneh, 34(3), 55–81. (in Persian)
19. Karimi, Behzad, Delavar, Ali & Farhangi, Ali Akbar (2021). Instagram: A new way of seeing and being seen and its consequences. Rasaneh, 32(1), 29–51. (in Persian)
20. Karimian, Kobra, Seyyed Alireza Afshani, and Mehraban Parsamahr. (2017). "Investigate Sociological Factors Affecting Trends of High School Adolescent's Girl in Shahrekord toward Social Network." Journal of New Media Studies, 3(10), 172–211. (in Persian)
21. Kheiji, Ali, Beik, Fatemeh, Alishahi, Fatemeh, and Barzemini, Maryam. (2022). "Harms of Social Networks." Islamic Studies and Research, 6(63), 27–37. (in Persian)
22. Khezri, Farouq. (2022). The Language of Law. 1st ed. Tehran: Naqd-e Farhang Publishing. (in Persian)
23. khairkhah, Vajihah. & Sayebani, Alireza (2019). Review Of Preserving The Judicial Dignity In The Bangalore Principles Of Judicial Conduct and Judicial laws in Iran. Journal of Research and Development in Comparative Law, 2(2), 126–144.
24. khosravi, Ahmad. & noruzi, Hamed. (2020). right to understanding law. The Judiciarys Law Journal, 84(111), 65–87. (in Persian)
25. Lévy-Bruhl, Henri. (2023). Sociology of Law. Translated by Seyyed Abolfazl Qazi. Tehran: Mizan Foundation. (in Persian)
26. mohammadi, Mahmoud (2022). Analyze the opportunities and threats of the Instagram social network(A case study of female students of Alborz Farhangian University). Teacher Education Policy, 5(2), 60-33. (in Persian)
27. Mousavizadeh Markieh, Seyyed Shahabeddin. (2016). Tension and conflict of Law abiding and Culture in The Era of Globalization. 6(21), 135-158. (in Persian)
28. Naji, Morteza. (2006). Impartiality in Criminal Proceedings. The Judiciarys Law Journal, 70(56-57), 29–78.
29. Pourmohammadi, Reza, Yusefi, Mohammad Mehdi. & Forushani, Mohammad Abdolsaleh. (2021). JUDGES' SOCIAL BACKGROUNDS AND JUDICIAL DECISION-MAKING. Law Quarterly, 51(3), 409–427. (in Persian)
30. Qazi, Seyyed Abolfazl. (2023). Fundamentals of Constitutional Law. 66th ed. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
31. Rabiei, Alireza, Malek Mohammadi, Mehrab. and Ghajari, Hossein Ali. (2016). Sociological Explanation of Factors Affecting Youth Illegality (14 - 29 year old youth in Borujen). Strategic Studies on Youth and Sports, 15(32), 153-170. (in Persian)
32. Rasikh, Mohammad. (2023). Right and Expediency. Vol. 2. 8th ed. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
33. Rezaei, Azad, Vijeh, Mohammadreza. & Vakilian, Hassan. (2022). Codes of Judicial Conduct in the U.S and Iran. Culmination of Law, 8(3), 3–35. (in Persian)
34. Rezipour, Parniya. (2023). A Study on Disadvantages and Negative Aspects of Instagram Social Media. Socio-Cultural Strategy, 12(1), 173–200. (in Persian)

35. Rezi-Khademi, Fatemeh, Iravanian, Amir, and Paknahad, Amir. (2019). “Legal and Ethical Criteria Governing the Selection of Judges in the Legal Systems of Iran and the United States.” Iranian Journal of Political Sociology, 2(3), 407–418. (in Persian)
36. Sadri Khanlou, Ali, Shamloo, Baqer, and Najafi Tavana, Ali. (2022). “The Foundations of Actor-Based Criminality and Its Consequences for Criminal Policy.” Karagah, 16(59), 111–121. (in Persian)
37. Safaei, Seyyed Hossein & Darvishzadeh, Mohammad (2023). Leading article: Judges' Accessibility as a Virtue. Journal of Research and Development in Comparative Law, 6(18), 9–6. https://doi.org/10.22034/law.2023.705317 (in Persian)
38. Shemshadi, Amirhossein, Mozaffari, Afsaneh, soltanifar, Mohammad & Farhangi, and Ali Akbar (2020). Identifying Dominant Network Culture in Instagram. New Media Studies, 6(24), 344–311. (in Persian)
39. solgi, Mohammad & mostafapour, Vahid. (2021). motivations to join the Instagram social network. Journal of Culture-Communication Studies, 22(54), 119–136. (in Persian)
40. tavakoli, Omid. (2022). Bangalore Principles on Judicial Behavior from the Perspective of Islamic Law. Journal of Research and Development in Comparative Law, 4(13), 13–50. (in Persian)
41. Torabian, Morteza. (2023). “Positive and Negative Effects of Cyberspace.” Classical and Contemporary Islamic Studies, 1(2), 181–194. (in Persian)
42. Yaghoubi Zarandini, Mohammad, Ghomashi, Saeed. & khodadi, Abolghasem (2019). Structural Fields Of Judicial Crimes In Judges Of Iran. The Judiciarys Law Journal, 83(107), 113–134. (in Persian)
43. Zareshahabadi, Akbar And Torkan, Rahmatollah. (2014). Factors of Law-abiding among Citizens of Yazd. Social Welfare Quarterly. 13(50), 159-205. (in Persian)

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited